

## کمدی‌هایی با طعم تراژدی



حقیقت این است که نوروز و تلویزیون پیوند عجیبی با هم دارند. اگر بهار و لذت بردن از آداب و رسوم نوروزی برای ما ایرانی‌ها یک اتفاق به‌یادماندنی و شیرین باشد، دیدن سریال جزء مهم و انکارناپذیری از این شیرینی است.

سریال های نوروزی در سیما

کمدی‌هایی با طعم تراژدی

جام جم آنلاین: حقیقت این است که نوروز و تلویزیون پیوند عجیبی با هم دارند. اگر بهار و لذت بردن از آداب و رسوم نوروزی برای ما ایرانی‌ها یک اتفاق به‌یادماندنی و شیرین باشد، دیدن سریال جزء مهم و انکارناپذیری از این شیرینی است.  
چک برگشتی

سیروس مقدم یکی از پرکارترین کارگردانان چند سال اخیر تلویزیون است (اگر نگوئیم دهه اخیر). او بخوبی مخاطبش را می‌شناسد و اغلب سریال‌هایش از نرگس گرفته تا همین چک برگشتی در یک چیز مشترک بودند و آن هم تعداد بالای مخاطب است.

این هنر سیروس مقدم کنار کار در مدت محدود، او را به یکی از پرکارترین کارگردانان این عرصه تبدیل کرده است. سریال امسال او هم از این قاعده مستثنا نبود و توانست خیل زیادی از ایرانی‌ها را پای تلویزیونشان بنشانند.

تا چند ماه پیش قرار بود مقدم ادامه سریال موفق نوروز سال گذشته‌اش یعنی [#171 پایتخت](#) را بسازد، اما به دلیل مشغله محسن تنابنده این اتفاق نیفتاد تا همان تیم سال گذشته با کمی تغییرات سریال چک برگشتی را برای تلویزیون بسازند.

این سریال هم مثل پایتخت ایده محسن تنابنده بود که به دلیل بازی در فیلم [#171 محمد رسول الله](#) فرصت بازی در این سریال را نداشت و امیرجعفری بخوبی توانست از عهده نقشش برآید.

ترکیب بازیگران هم در نوع خود جالب توجه بود، چرا که احمد مهرانفر این بار از جلوی دوربین به پشت آن رفته بود و نقش بازیگردانی را در این سریال به عهده داشت و می‌شد حدس زد که از بازیگران موفق تئاتری در این سریال بهره می‌گیرد، ریما رامین فر، امیر جعفری، هومن برق نورد و البته هدایت هاشمی که یکی از بازیگران موفق تئاتر است توانستند شیرینی این سریال را دوچندان کنند.

قصه سریال هم آنقدر کشش داشت که بتواند مخاطبانش را وادار به دیدن آن کند. قصه‌ای که اتفاقات اجتماعی خیلی پر رنگ در آن لحاظ شده بود به اندازه‌ای که به قول خود سیروس مقدم اگر رگه‌های طنز آن را بر می‌داشتیم با یک تراژدی روبه‌رو بودیم.

امیرجعفری در این سریال نقش جوانی به نام لطیف را داشت که از زندان آزاد شده بود. او قصد داشت با فراموش کردن سوءسابقه خود برای امرارمعاش شغل تازه‌ای دست و پا کند، ولی به هر جا که می‌رفت به خاطر سابقه منفی و خلافت کسی حاضر نمی‌شد به او کار دهد و مشکلات او اما با ماجرای یک چک برگشتی دوبرابر شد.

کسی خوابه؟

[#171](#) چه کسی خوابه یک مجموعه طنز اجتماعی است و در هر قسمت آن یک نماآهنگ وجود دارد که جواد رضویان در آن می‌خواند و بازی می‌کند.»

این خلاصه‌ای از برنامه [#171](#) کسی خوابه» به کارگردانی جواد رضویان بود که در پیش از تعطیلات در اغلب رسانه‌ها آمده بود اما چیزی که روی آنتن رفت چندان شباهتی به این تعریف نداشت - البته بجز نماآهنگ‌ها - تجربه دوم رضویان در ساخت سریال به اندازه اولین تجربه‌اش موفق نبود. در حقیقت اگر بخواهیم مقایسه‌ای کنیم بین این سریال و [#171](#) قرارگاه مسکونی» که نوروز 3 سال پیش ساخته شد باید بگوئیم این بازیگر در ساخت سریال جدیدش موفق نبوده و عقب‌گرد فاحشی داشته است.

جواد رضویان دیگر تبدیل به یک برند شده است و با دیدن چهره او در فیلم یا سریال می‌توان به ماهیت آن اثر پی برد. اگر قرار باشد او این راه را در طنزهای تلویزیونی پیش گیرد بدون شک هواداران بسیار او آرام آرام ریزش می‌کنند.

او در این سریال از بازیگرانی همچون فتحعلی اویسی، ارژنگ امیرفضلی، یوسف صیادی، بهنوش بختیاری و علی صادقی بهره برد.

سیر و سرکه

شبکه 2 اما در ادامه برنامه‌های خود در نوروز سریال &#171;سیر و سرکه» را در نوبت پخش داشت. سریالی که بیش از همه بازی سعید پورصمیمی در آن جلب توجه می‌کرد.

بازیگری که در سینما آنقدرها پرکار نیست و دیدنش روی صحنه تئاتر شکوهی به صحنه می‌بخشد، این بار جلوی دوربین غلامرضا رضایی قرار گرفت تا روایت چشم و همچشمی را در خانواده‌های ایرانی نشان دهد.

بجز پورصمیمی، پری امیرحمزه هم در این سریال حضور داشت که به نوعی شخصیت محور قصه هم محسوب می‌شد.

او نقش ته‌مینه، پیرزن ساده‌دل روستایی را بازی کرد که همراه دخترش فرزانه که معلم روستاست، روزگار خوشی را در روستا می‌گذراند. در واقع فرزانه به این دلیل در روستا مانده تا مواظب مادرش باشد.

فرزاد پسر دیگر ته‌مینه در کانادا زندگی می‌کند. او با وجود علاقه به مادرش سال‌هاست نتوانسته به ایران بیاید؛ چراکه همسرش بیمار است و نمی‌تواند او را ترک کند، بنابراین از مادرش دعوت می‌کند به کانادا برود.

ته‌مینه نمی‌داند چگونه با این مساله کنار بیاید، اما سرانجام می‌پذیرد به دیدار فرزندش در کانادا برود، اما او قبل از هر چیز باید مقدمات این سفر را آماده کند، مقدماتی که زندگی ساده پیرزن را دستخوش حوادث گوناگون می‌کند.

داستان خطی ساده سریال باعث نشده بود جذابیت‌های زیاد و طنز پیرنگ آن فراموش شود. خرده اتفاق‌های متعددی که در این سریال می‌افتاد، همراه با بازی خوب بازیگرانش توانست تا حدودی رضایت مخاطبان این شبکه را جلب کند؛ هرچند این سریال میان نظرسنجی‌ها آنقدرها محبوب نبود، اما کار غلامرضا رضایی جای امیدواری بسیاری برای او به جای گذاشت.

فراموشی

سعید سلطانی بعد از ساخت سریال &#171;ستایش» امسال سریال &#171;فراموشی» را در روزهای تعطیل عید در حال پخش داشت.

سلطانی که پیشتر ساخت آثاری چون &#171;پس از باران»، &#171;سال‌های برف و بنفشه» و &#171;خانه‌ای در تاریکی» را در کارنامه‌اش داشت، این بار سریالی با مضمون طنز روانه سازمان صداوسیما کرد.

البته او چندان هم با این حوزه ناآشنا نیست و چند سال پیش سریال خوب و روان &#171;مامور بدرقه» را از همین شبکه روی آنتن داشت.

یکی از نکات قوت این سریال را باید پای فیلمنامه خوب امیرمهدی ژوله گذاشت که حالا پس از تجربه‌های فراوان با مهران مدیری و تیم قاسمخانی‌ها حالا سریالی را به تنهایی نوشته است. البته الهه زارع در این کار او را همراهی کرد.

در این سریال محمد کاسبی در یکی از نقش‌های اصلی ظاهر شد. کاسبی سال‌های گذشته هم در ایام عید با آثاری چون &#171;سه دونه سه دونه» و &#171;زن بابا» مهمان خانه‌های مردم شده بود. این سریال یک قصه رئال با موقعیت‌ها و روابط کمدی است.

در این سریال با یک قصه اجتماعی شاد با لحظات و موقعیت‌های کمدی رو به رو بودیم که بیشتر به روابط خانواده و دوری نسل جدید از خانواده تکیه داشت.

دست بالای دست

داستان عشق پسر فقیر به دختر پولدار. این محتوای کلیشه‌ای، شاید از نظر دستمایه قرار گرفتن برای سریال و فیلم‌ها در جهان در ردیف اول کاربرد باشد.

روایت طنزانه محسن یوسفی از این قصه جالب توجه بود. هر چند شاید بشود بیشترین موفقیت این سریال را در اجرای خوب بازیگران آن دانست، اما بی‌انصافی است از فیلمنامه قوی به لحاظ قصه‌پردازی‌اش بگذریم.

حواشی این سریال البته چندان مشکل‌ساز نشد، چرا که ابتدا قرار بود شخص دیگری این سریال را بسازد و با تغییر کارگردان و فرصت کم، یوسفی مجبور شد در زمان کمتری سریال را به پایان برساند.

تصور می‌شد این اتفاق از لحاظ کیفی به سریال ضربه بزند که البته بی‌تاثیر هم نبود، اما باید اذعان کرد این فرصت کم برای بازیگران آن خوب بود؛ چرا که عجله و شتاب در ساخت آثار مناسبی باعث می‌شود بازیگر از ریتم و فضای قصه دور نشود.

علی محزون